سردرگمی مخاطبان از سریال‌های نمایش خانگی که ناتمام، تمام می‌شوند!

■ افزایش تعداد سریال‌هایی که در شبکه نمایش خانگی قبل از رسیدن به پایان، به‌ناگهان متوقف می‌شوند و یا با پایانی سرهم بندی شده به انتها می‌رسند، دلایل متعددی دارد که تقریبا تمام آن دلایل به اهمال‌کاری پلتفرم‌ها و دوری آنها از قواعد بین‌المللی سریال‌سازی برمی گردد.

نیما رجبی

رقص روی شیشه

جزیره
ISLAND

قبله عالم
QEBLE-E-ALAM

مردم معمولی

> **در شرایط کنونی، وضعیت این پلتفرم‌ها چندان مساعد نیست. دیوار اعتماد میان آنها و مخاطبانشان، ترک‌های عمیقی برداشته و این بی‌اعتمادی حتی به هنرمندان نیز سرایت کرده که تردیدهایی جدی برای تداوم همکاری با آنها دارند. مخاطبان هم با این شراط ترجیح می‌دهند که سریال‌ها را با دانلودهای غیرقانونی تهیه کرده و البته که دیگر حساسیت دیروز خود را در دنبال کردن سریال‌ها ندارند.**

گروه فرهنگ و هنر- اگرچه پخش ناتمام قلب یخی و قهوه تلخ در نیمه دوم دهه ۸۰، یک بدقولی گل‌درشت محسوب می‌شد که تا سال‌ها در خاطر مخاطبان بسیاری ماند اما گویا این اتفاق طی چند سال اخیر به رویه‌ای تبدیل شده که حالا دیگر تقریبا در هر سال می‌توان به یک تا دو مورد آن اشاره کرد.

فهرست آثار نیمه‌تمامی که در طول یک دهه اخیر، به شکلی به مخاطبان خود بی‌احترامی کردند، کم نیستند: از عشق تعطیل نیست و رقص روی شیشه گرفته تا جزیره، مردم معمولی، قبله عالم، شهرک کلیله و دمنه، نوبت لیلی، گیسو، میدان سرخ، آمستردام و . . .

همان‌گونه که مشاهده می‌شود تعداد سریال‌های ناتمام ۲، ۳ سال اخیر، به شدت افزایش یافته و هر سال هم بر تعداد آن افزوده می‌شود. طبیعتا یکی از دلایل بروز این اتفاق، ورود بخش عظیمی از کارگردانان، به مقوله سریال‌سازی است. بخشی از این اتفاق درنتیجه کرونا، خانه‌نشینی مردم و اقبال بیشتر به پلتفرم‌های خانگی است و بخشی دیگر نیز به بریز و بپاش‌هایی برمی‌گردد که عایدی عوامل سریال‌ساز را به‌مراتب، بیشتر از پروژه‌های سینمایی می‌کند.

وقتی بنگاه‌داری کار دست همه می‌دهد

البته در این میان نباید از بنگاه‌داری پلتفرم‌ها و ورود بی‌قاعده آنها به پروسه سریال‌سازی به سادگی عبور کرد. پلتفرم‌ها در شرایطی زمینه تسهیل سریال‌سازی را برای کارگردانان فراهم می‌کردند که این جریان، یک بازی دو سر برد برای طرفین محسوب می‌شد. از یک سو، فضای نمایش خانگی، مانند تلویزیون نیست و از سوی دیگر، عایدی بخش تولید، به‌مراتب بیشتر از سریال‌سازی برای تلویزیون و فیلم‌سازی در سینما بود. پلتفرم‌ها نیز با جذب آگهی‌های زیاد، اسپانسرهای متمول و البته بالا بردن چندین‌باره هزینه آبونمان، به‌راحتی هزینه تولید یک سریال را تامین می‌کردند و به همین راحتی، سریال‌سازی بدون نظارت چندانی، به پروسه‌ای تبدیل شد که بسیاری از کارگردانان کوچک و بزرگ سینما را وسوسه کرد.

طبیعی است که در چنین بلبشویی، نظارت کافی برای روند تولیداتی این حجم سریال وجود ندارد. آنچه برای پلتفرم‌ها مهم بود، بیش از کیفیت، کمیت آثار در جهت عادت آنها به مخاطب بود. پلتفرم‌ها که برای دو سال، روی دور تند سریال‌سازی قرار داشتند، مخاطب خود را به نوعی به این موضوع عادت دادند که با پایان یک سریال، سریال دیگری را منتشر می‌کردند و طبیعی است که این روال، خللی در پروسه سریال‌سازی ایجاد می‌کند از جمله تعجیل در سریع ساختن سریال یا ایجاد مشکلات مالی که سبب تشتت در فرآیند تولید و یا ایجاد حواشی می‌شود.

هر کدام از این دلایل، به‌تنهایی کافی بود تا یک سریال، به‌نوعی به زمین بخورد و یا روند تولیداتی آن با تاخیر و یا تعطیلی مواجه شود. به همین دلیل، برخی پلتفرم‌ها در ابتدا که یک کار، به پخش هفتگی نمی‌رسید، از مخاطبان خود عذرخواهی می‌کردند و دلایل این اقدام را عنوان می‌کردند اما اکنون تعدد تولیدات بر زمین مانده پخش‌نشده به اندازه‌ای بالا رفته که دیگر هیچ خبری از عذرخواهی یا برشمردن دلیل باقی نمی‌ماند.

وقتی پای پلتفرم‌ها در میان است

طبیعتا تا پیش از این روال پلتفرم‌ها، سریال‌سازی در اختیار تلویزیون بود و این رسانه، هر امتیاز منفی که داشت، لااقل سریال‌ها را با یک نظم خاصی به پخش آخر می‌رساند. اشکال، زمانی شروع شد که پلتفرم‌ها بدون هیچ تجربه‌ای، قدم در این وادی گذاشتند و چنین فضایی را رقم زدند.

جالب آن‌که چنین رویه‌ای با وجود تکرار چندین‌باره، هنوز به تجربه‌ای برای پلتفرم‌ها تبدیل نشده و آنها همچنان با پروژه‌هایی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که هیچ نظم خاصی در پخش نداشته و به‌ناگهان در اثنای پخش، متوقف شده و هیچ دلیلی هم بر این توقف عنوان نمی‌شود.

پلتفرم‌ها، اصرار ویژه‌ای برای سریال‌سازی داشتند. وقتی هم که با این تصمیم مخالفت شد، آنها تصور کردند که این مخالفت‌ها درنتیجه رقابتی است که آنها با تلویزیون و سینما به راه انداخته‌اند؛ حال آن‌که هر عقل سلیمی متوجه می‌شد که این غائله، نه به نفع پلتفرم‌هاست و نه مردم. البته که در این بین، پلتفرم‌ها، خسارت چندانی را متحمل نشدند چرا که آنها هیچ‌گاه پولی از جیب نگذاشتند و هزینه تولید سریال‌ها، از تبلیغات فراوانی که دریافت می‌کردند، جذب اسپانسرهای متمول و البته هزینه اشتراک تامین می‌شد. بنابراین نوک پیکان پخش ناتمام سریال‌ها، به سمت بی‌تجربگی و آماتوری پلتفرم‌ها نشانه گرفته شده و اینکه آنها با وجود تعدد مواردی از این دست، گویی سیاست چندانی را برای عدم‌تکرار این اتفاق در پیش نگرفته و همچنان بر این مدار در حرکت هستند.

سامانه‌های وی‌اودی بین‌المللی چگونه عمل می‌کنند؟

وی‌اودی‌ها، عمر چندان طولانی در نظم بین‌المللی ندارند. آنچه اما مسلم است آن‌که بسیاری از این سرویس‌های استریم، ترجیح داده‌اند برای فرار از چنین وضعیتی، چند راهکار مهم را در پیش بگیرند: نخست آن‌که سخت‌گیری بسیاری در ۲ مرحله به خرج می‌دهند؛ اول در انتخاب فیلمنامه و دوم در انتخاب کارگردان آن کار. در وهله بعدی، قراردادی محکم با طرف دوم می‌بندند که هرگونه تاخیر یا تعلل، خسارات بسیاری را متحمل این افراد و پروژه آنها خواهد کرد. در انتها، زمانی اقدام به پخش سریال می‌کنند که کار فیلمبرداری به پایان رسیده و مراحل فنی ۵ تا ۶ قسمت نیز به اتمام رسیده باشد. این نظم نوین سبب شده تا هم پروسه تولید، با نظم و استاندارد خاصی به جلو پیش رود و هم از یک سال قبل، زمان پخش دقیق سریال مشخص باشد. درنتیجه چنین برنامه‌ریزی است که هیچ‌گاه خللی در زمان تولید و پخش سریال فراهم نمی‌شود. اینکه می‌گوئیم سامانه‌های وی‌اودی وطنی، بدون در پیش گرفتن مرحله آزمون و خطا، به‌ناگهان خود را در قلب سریال‌سازی دیدند، به همین دلیل است. بدون هیچ تجربه و پیش‌فرضی به این داستان ورود کردند و درنتیجه، به جایی رسیدند که واقعا نمی‌شود نسبت به کامل پخش شدن یک اثر، ایمان داشت.

دیوار اعتمادی که ترک برداشت

این رفتار آماتوری پلتفرم‌ها در وهله نخست، رابطه دوسویه اعتمادسازی میان آنها و مخاطب را از میان می‌برد. پلتفرم‌ها رویکرد عقلانی را در پیش نگرفتند و کرونا سبب شد که آنها ره صدساله را یک‌شبه طی کنند. وقتی مردم در اواخر سال ۹۸، به‌نوعی مجبور به خانه‌نشینی شدند، این پلتفرم‌ها توانستند چندین فیلم را پخش کرده و به یک هژمونی گسترده تبدیل شوند. در ادامه هم که روند خانه‌نشینی مخاطب پایان یافت، آنها با چند رویکرد، این اعتماد بادآورده را خدشه‌دار کردند: نخست، افزایش چندین‌باره حق اشتراک که مخاطب، در هر نوبت، واکنش بدی به این موضوع نشان داد و بار دوم هم زمانی بود که مدیران این پلتفرم‌ها تصور کردند با انبوه‌سازی می‌توانند پاسخگوی نیاز مخاطبان خود باشند. حال آن‌که در این میان، آنچه چندان برایشان اهمیتی نداشت، کیفیت کارها و رسیدن به یک نظم مدون در مسیر تولید بود.

در این بلبشو، پلتفرم‌ها از حضور کارگردانان و بازیگران سینمایی، ذوق‌زده شدند و تصور کردند که حضور همین نام‌ها کافی است که سریال‌ها پربیننده شوند درحالی‌که تجربه امروز آنها می‌گوید بسیاری از سریال‌هایی که ناتمام باقی ماندند و یا در پخش مورد استقبال قرار نگرفتند، با حضور همین کارگردانان و بازیگران دهان‌پرکن تولید شده‌اند بنابراین چنین راهکاری نمی‌تواند صرفا به موفقیت یک اثر منجر شود.

در شرایط کنونی، وضعیت این پلتفرم‌ها چندان مساعد نیست. دیوار اعتماد میان آنها و مخاطبانشان، ترک‌های عمیقی برداشته و این بی‌اعتمادی حتی به هنرمندان نیز سرایت کرده که تردیدهایی جدی برای تداوم همکاری با آنها دارند. مخاطبان هم با این شراط ترجیح می‌دهند که سریال‌ها را با دانلودهای غیرقانونی تهیه کرده و البته که دیگر حساسیت دیروز خود را در دنبال کردن سریال‌ها ندارند. شاید به همین دلیل است که بسیاری از سریال‌ها، پس از پخش، چندان دیده نمی‌شوند و در همین بی‌خبری هم به پایان می‌رسند. این مهم نشان می‌دهد که آن سریال نتوانسته به دید جمع کثیری رسیده و جریان‌ساز شود.

سریال‌سازی در بخش خصوصی، نوعی علم است. نیازمند تجارب بسیاری است که قواعد این تجربه در دوره‌های مختلف تاریخی، تغییر می‌یابد. پلتفرم‌ها نمی‌توانند با چشم‌پوشی از این قواعد، به عادت برسند. مسیری که طی ۲، ۳ سال اخیر توسط این پلتفرم‌ها طی شد، موید خودزنی بزرگی است که آنها در حق خود روا داشته و اکنون چاره‌ای ندارند جز آن‌که به قواعد بین‌المللی سریال‌سازی تن داده و به شکلی علمی و تجربی با این مقوله تخصصی برخورد کنند.

شروع ناامیدکننده «بی‌مصرف‌ها ۴»

گروه فرهنگ و هنر- «بی‌مصرف‌ها ۴» در پیش نمایش خود تنها ۷۵۰ هزار دلار فروخت تا از بدترین افتتاحیه این مجموعه فیلم‌ها خبر بدهد.

«بی‌مصرف‌ها ۴» که از پنجشنبه شب راهی سینما شده با فروش ۷۵۰ هزار دلاری در شب نخست اکرانش، بدون شک کم‌فروش‌ترین فیلم این مجموعه خواهد شد.

این فیلم که به کارگردانی اسکات وا با فیلمنامه اسپنسر کوهن، مکس آدامز و جان جوزف کانولی و با بودجه ۱۰۰ میلیون دلاری ساخته شده است، با این امید روی پرده رفت که بین ۱۵ تا ۱۷ میلیون دلار در افتتاحیه خود بفروشد، اما فروش پیش نمایش آن نشان می‌دهد در نهایت افتتاحیه آن از ۸ تا ۱۰ میلیون دلار بیشتر نخواهد بود.

سیلوستر استالونه و جیسون استاتهام بار دیگر در این فیلم حضور دارند. مگان فاکس، فیفتی سنت، تونی جا، ایکو اویس، جیکوب اسکیپیو و لوی تران از تازه واردان این مجموعه در کنار اندی گارسیا هستند.

در خلاصه رسمی فیلم آمده است: آخرین خط دفاعی جهان و تیمی که وقتی همه گزینه‌های دیگر از روی میز برداشته می‌شود، فراخوانده می‌شوند. اما اعضای جدید تیم با سبک‌ها و تاکتیک‌های جدید به «خون جدید» معنای کاملاً جدیدی می‌دهند.

نزدیک به یک دهه از اکران آخرین فیلم «بی‌مصرف‌ها» در سینماها می‌گذرد. سه فیلم اول این مجموعه که سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ اکران شدند، در مجموع ۸۰۰ میلیون دلار در گیشه سینماهای جهان فروش کردند و آخرین فیلم آن در سال ۲۰۱۴ اولین آخر هفته اکرانش را با رقم فروش ۱۵.۸ میلیون دلاری ثبت کرد و در نهایت ۲۱۴ میلیون دلار در باکس آفیس جهانی فروش کرد.

فیلم اصلی در سال ۲۰۱۰ هم با ۳۴.۸ میلیون دلار افتتاح شده بود و فیلم دوم در سال ۲۰۱۲ با فروش ۲۸.۵ میلیون دلاری در افتتاحیه وارد سینماها شده بود.

استقبال منتقدان از فیلم هم مناسب نبود و منتقد هالیوود ریپورتر نوشت با حضور کوتاه استالونه و چند بازیگر جدید که نتوانسته‌اند تأثیر زیادی بگذارند، نشان می‌دهد وقت آن رسیده که با این مجموعه خداحافظی کنیم.

«رحیل» منافاتی با واقعیات تاریخی ندارد

گروه فرهنگ و هنر-بازیگر نقش اصلان در سریال «رحیل» با تاکید بر این که «رحیل» منافاتی با واقعیات تاریخی ندارد گفت: تاریخی سازی در حال حاضر گرفتار نوعی ساده گیری شده است. به نظرم هر کارگردان تازه کاری نمی‌تواند سریال تاریخی بسازد.

علی عباسی‌زاده اظهار کرد: سریال‌های تاریخی بر چند نوع هستند؛ دسته ای از آنها ترجیح می‌دهند مماس بر روایات تاریخی پیش بروند و حتی در مواردی که چند تعبیر از یک ماجرا وجود دارد وارد نشوند و دسته ای نیز تلاش دارند تاریخ را با رویاپردازی که جاذبه اصلی هنرهای نمایشی است پیوند بزنند. در این میان سریال رحیل به دنبال آن است که راه سومی بگشاید و کاری کند که هم اصالت تاریخی را زیر سوال نبرد و هم وجهه رویاپردازی خود را داشته باشد.بازیگر نقش اصلان در سریال رحیل افزود: نقش خودم در این سریال جزو نقش هایی است که ثمره تخیل طراح و نویسنده سریال است؛ ولی مثلا نقش شازده محمدحسن که حسام محمودی فقید بازیگر اولش بود، در تاریخ وجود داشته یا برخی نقش‌های درباری در تاریخ بوده و حالا اینجا منطبق با نیاز درام به آنها شاخ و برگ داده شده است. در مجموع سریال رحیل چیزی در منافات با واقعیات تاریخی ندارد و اتفاقا سرنوشت زنان دربار قاجاری در دگردیسی از قاجار به پهلوی را منطبق با اسناد و نامه های باقی مانده از آن دوران، دراماتیزه کرده است.

فرخ نعمتی بازیگر توانایی است که از جنس بازی گرفته تا لحن و گویشی که دارد واقعا تکرارنشدنی است. او بازیگری را در تک تک پلان هایش درس می‌دهد. در سریال رحیل به جز فرخ نعمتی، کاظم هژیرآزاد، ثریا قاسمی، نسیم ادبی، اندیشه فولادوند و حمیدرضا آذرنگ را هم داشته ایم که تک تک آنها سرشار از تجربه و مهارت هستند. یک گروه جوان مثل خودم هم کنار این چهره ها با خیال راحت ایفای نقش کرده و ریزه کاری های بازیگری را می آموزیم و این نکته واقعا لذت بخش است.عباسی‌زاده با اشاره به دشواری های تولید تاریخی در دورانی که شبکه خانگی تا تلویزیون و حتی شبکه های ماهواره ای فارسی زبان، در حال پخش سریال‌های تاریخی جورواجور هستند، اظهار داشت: تاریخی سازی گرفتار نوعی ساده گیری شده است. به نظرم هر کارگردان تازه کاری نمی‌تواند سریال تاریخی بسازد. در کل تاریخ تلویزیون خودمان غیر از علی حاتمی و داوود میرباقری و امرالله احمدجو و تا حدی مسعود جعفری جوزانی، واقعا تاریخی سازی های مان چنان که باید ماندگار نشد.وی ادامه داد: شاید یک دلیل اینکه وجه تاریخی سریال رحیل درآمده تجربه های قبلی تهیه‌کننده و کارگردان اثر باشد. حضور افراد معتبر و مجرب باعث می‌شود سریال تاریخی خوب تولید شود. در تلویزیون باید به نوعی استانداردسازی برسند که سریال‌های تاریخی را فقط افراد باتجربه تولید کنند چون واقعا ژانر تاریخی، شوخی‌بردار نیست.این بازیگر درباره روند داستانی سریال و اینکه در وجه تکنیکی سریال رحیل هم نماهای رئال و هم جلوه های رایانه‌ای در کار هست، بیان داشت: خودم وقتی اولین راش های سریال را دیدم فکر نمی‌کردم این قدر وسواس در طراحی صحنه و لباس و چیدمان قاب ها وجود داشته باشد. بعدتر که اولین قسمت ها پخش شد و روی آنتن رفت هرازگاه که به طور نامحسوس نظرات مخاطبان را در شبکه‌های اجتماعی می‌دیدم متوجه شدم که سریال توانسته مخاطب را راضی کند. راضی کردن مخاطبی که انواع و اقسام محصولات سرگرم کننده دراختیارش است، واقعا کار راحتی نیست. سریال که به نیمه ها رسید و بحث‌های پیش بینی عاقبت زندگی کاراکترهای محا و دیباج شکل گرفت دیگر معلوم شد داستان در جامعه مخاطب جا افتاده است.عباسی‌زاده پیرامون واکنش های مخاطبان و منتقدان به سریال رحیل گفت: درباره هر سریالی نظرات مثبت و منفی وجود دارد؛ ولی در مورد سریال‌هایی که از سوی مخاطبان دنبال می‌شوند، شاهد نوعی نکته سنجی از سوی هم مخاطبان و هم اهالی رسانه و نقد و نظر هستیم. در سریال درباره پیدا کردن معادل تاریخی شازده محمدحسن، روی صدای بازیگر جایگزین حسام محمودی یا نحوه فیلمبرداری و دکوپاژ پیچیده نماهای اندیشه فولادوند یا داستان اجرای تعزیه توسط زنان یا حتی پرس و جو کردن درباره مکان لوکیشن های بیرونی، واکنش‌ها و کنجکاوی‌های مختلفی دیده شده که حکایت از پیگیری سریال دارد.

پرفروش‌ترین هنرمند ۲۰۲۲ چه کسی است؟

گروه فرهنگ و هنر- «ابودیا» هنرمند ساحل عاجی نه چندان مشهور به یک هنرمند پرفروش تبدیل شد و متخصصان بازار هنر را شگفت‌زده کرد.«ابودیا» که یک هنرمند ساحل عاجی است، آثار هنری خود را با الهام از فرهنگ کشور خود خلق می‌کند در صدر فهرست «۱۰۰ هنرمند هیسکاکس» قرار گرفت. این فهرست جدید، ترندهای اصلی در هنر معاصر را بررسی می‌کند.آثار هنری «ابودیا» تحت تاثیر گرافیتی‌های «آبیجان» و حکاکی‌های چوبی سنتی غرب آفریقا خلق شده‌اند و با آثار هنری «ژان میشل باسکیا» مقایسه می‌شوند که خود به دلیل نقاشی‌های شبیه به گرافیتی به شهرت رسید.از زمان جنگ داخلی ساحل عاج در سال ۲۰۱۱، آثار هنری «ابودیا» انعکاسی از آسیب‌های روحی ناشی از بی‌رحمی انسان‌ها بر انسان‌های دیگر بوده‌اند و جمجمه و سربازان را به تصویر می‌کشند. درمجموع ۷۵اثر «ابودیا» به فروش رسیده است و پس از آن «دیمن هرست» هنرمند مطرح بریتانیایی با ۷۳اثر در رتبه بعدی قرار دارد.همچنین قیمت آثار هنری «ابودیا» از چند هزار پوند در یک دهه اخیر به قیمت‌های ۶ رقمی رسیده است. حراجی «کریستیز» در لندن یکی از نقاشی‌های بدون عنوان این هنرمند را در سال گذشته ۵۰۴,۰۰۰ پوند رسیده است.

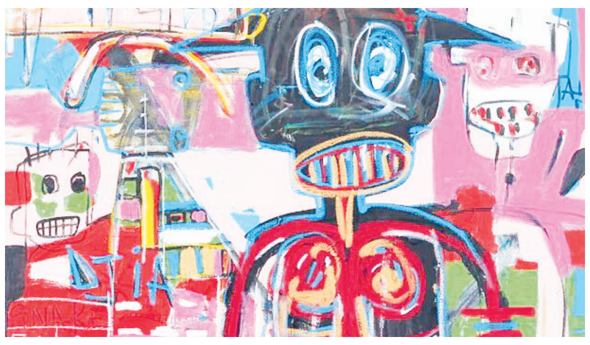

گروه هتل های تاپ تورز
TOPTOURS Group
تاپ تورز
هتل ویدا
هتل بزرگ کوروش
KOUROSH HOTEL

021-8586 www.ttgroup.ir @Toptours_Group ttgroup.ir

روزنامه اقتصاد کیش
تماس: ۰۷۶ ۴۴۴۲۴۹۹۹ تحریریه: ۰۹۳۴۷۶۸۵۸۴۱
واتساپ: ۰۹۳۴۷۶۸۰۷۱۴ اینستاگرام: @eghtesadkish تلگرام:۰۹۳۴۷۶۸۰۷۱۴
اقتصاد کیش روزنامه